

گزارش کوتاهی از مراسم  
«یادمان پنجاهمین سالگرد پایه گذاری  
کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان  
ایرانی (اتحادیه ملی)»



در تاریخ ۵ ژانویه ۲۰۱۳ خانواده ی بزرگ کنفدراسیون، دوستان، و پشتیبانان مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی این تشکل در شهر فرانکفورت، در همان محل سنتی کنگره های کنفدراسیون حضور یافتند. نه تنها سالن پر بود، بل در راهروهای کنار سالن نیز، به قول معروف، جای سوزن انداختن نبود. نه تنها فضای بیرون سالن از جمعیت موج می زد و بالکن ها را رفقای سیگاری اشغال کرده بودند، که حتی ترکیب شرکت کنندگان نیز مداوماً در حال تغییر بود. چهره های جدیدی می آمدند و رفقای که مدتی در محل بودند و ادامه ی حضورشان به هر دلیل مقدور نبود، بعد از خدا حافظی، گردهمائی را با شادمانی ترک می گفتند و برای کمیته ی برگزاری آرزوی موفقیت نموده، و پیشنهاد ادامه کار می دادند. از بیش از ۵۰۰ نفر شرکت کننده

سخن می رود، تعدادی تخمینی که می شود با احتیاط بیان کرد. در عرصه ی شبکه مجازی بسیاری از حامیان کنفدراسیون به صورت گروهی از طریق اسکایپ و پلتاک از سراسر جهان با ما در تماس بودند و مراسم با شکوه فرانکفورت را تعقیب می کردند. این استقبال بی نظیر از این مراسم گویای آتشی بود که در زیر خاکستر منتظر لهیب بود و اغراق نیست اگر بگوییم که در امر بسیج اعضای پیشین و حامیان کنفدراسیون جهانی موفق بوده ایم.

روحیه حاکم بر این نشست روحیه ای شور و شوق، مملو از غم و شادی، روحیه ای سرشار از امید و نیرو بود. رفقای که به سختی راه می روند، با نیرو گرفتن از خاطرات دوران جوانی، خود را به محل رسانده بودند و صفا و صمیمیت مبارزاتی در محل موج می زد. آشنایی ها و در آغوشگیری ها همیشه با کمی تأخیر صورت می گرفت، زیرا طرفین بایستی نخست با چهره هایی که گذر زمان رد پای اش را بر آنها نهاده بود آشنا می شدند. این مراسم می خواست روح مبارزه را زنده کند و نشان دهد که مبارزه ای که از زمان انقلاب مشروطیت آغاز شده است تا نتیجه نهایی خود ادامه خواهد داشت. و این اغراق نیست که در این امر موفق بوده ایم.

فضای حاکم بر مراسم نشانه ی فضای دموکراتیک و احترام انگیزی بود که در مراسم سنتی کنفدراسیون موج می زد. اما مهم تر این بود که در کنار دوستان سالخورده که موی در مبارزه سیاسی سپید کرده بودند نسلی تازه شرکت داشت. وقتی

رفقای قدیمی برای گفتگو و نقل خاطرات گذشته سالن را ترک می کردند، یک جمعیت ثابت ۲۵۰ نفری در سالن نشسته بود و بدقت و گام به گام مراسم را تعقیب می کرد تا مبدا نکته ای از نظرش فروافتد. این مراسم می خواست که به گسست انتقال تجربه ی نسل های گذشته، که محصول رژیم های مستبد رضا خان، محمد رضا شاه، و رژیم کنونی حاکم بر ایران است، خاتمه دهد و مانع از آن شود که نسل های کنونی و آینده با تبلیغات ارتجاع غالب و مغلوب در ایران، به جای آنکه در کنار هم باشند در برابر هم قرار گیرند. این نشست می خواست پدران و پسران، مادران و دختران، خانواده ها و فرزندانشان را دست در دست هم برای آزادی ایران دموکراتیک فردا ببینند، نه در مبارزه ی رویارو بر ضد هم، که شعار تبلیغات دشمنان مردم ایران است، شعاری که مانند سم در همه جا پخش می کنند. هیچ نسلی نسوخته است؛ همه ی نسل ها در گذشته برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه کرده اند، ولی راه نیل به هدف هموار نیست. ما کم نداشته ایم رفقای را که در این سنگر در کنار ما جان دادند تا نسل های آینده بتوانند شاهد پیروزی را در آغوش بگیرند. این مبارزه سخت ادامه دارد و هر نسلی باید بخشی از این بار سنگین را در مبارزه ی بی امان و فداکارانه، در شرایط تفوق دشمن، به جلو سوق دهد تا شایسته آن باشد که، هنگامی که به آرمان های خویش در ایران فردا تحقق بخشید، قدر حفاظت از آنها را نیز بداند. این مراسم بر این

تداوم مبارزه نسل‌ها تکیه کرد و شرکت‌کنندگان با شور و هیجان خویش آن را درک کردند و این اغراق نیست که ما در این کار خویش موفق بودیم.

از سراسر اروپا و آمریکا در این نشست شرکت کرده بودند؛ این خود حاکی از نیک‌نامی و درجه‌ی نفوذ معنوی کنفدراسیون جهانی در میان مردم ایران است. هم‌حکومت‌جبار و دیکتاتور اسلامی، که نجات‌جان‌پاره‌ای از رهبرانش را مدیون مبارزه‌ی دموکراتیک و حقوق‌بشری کنفدراسیون است، و هم جلادان از قدرت به‌زیر کشیده شده‌ی دیروز، که مزورانه نقاب بشر دوستی، دموکراسی خواهی، و لیبرالی به‌چهره زده‌اند و در پی قربانی‌های تازه می‌گردند، تبلیغات وسیعی را بر ضد این کارزار بین‌المللی کنفدراسیون جهانی آغاز کرده بودند تا از شکست این مراسم دل‌شاد کرده، و جشن شکست کنفدراسیون را برگزار کنند. ولی تجربه‌ی مراسم فرانکفورت نشان داد که باید به‌توده‌ی مردم ایمان داشت، باید دانست که مردم می‌توانند دست‌های آلوده را از دست‌هایی که در خدمت مردم به حرکت در می‌آیند تمیز دهند. پیروزی این مراسم مردمی در عین حال پیروزی امید بر یأس پیروزی یاران کنفدراسیون و هواداران‌اش بر مخالفان آن بود. این مراسم نشان داد که باید به مردم اعتماد کرد، باید به نیروی خود متکی بود، و اصل تکیه بر نیروی خویش را بر پرچم خود نوشت. تنها ملت‌هایی شایسته آزادی و رهایی از بردگی هستند که با دست خود به این آرمان‌ها دست‌یابند و در حفظ آن

بکوشند. و این اغراق نیست که ما در این کار موفق بوده ایم.

این نشست اجلاس خانواده ی بزرگ کنفدراسیون جهانی بود؛ بیان همان ترکیب سیاسی تاریخی جنبش دانشجویی که با پیروزی و افتخار، تا قبل از انشعاب در کنفدراسیون، این بار مهم را بر شانه های خویش حمل کرده بود. این نشست نشان داد که کنفدراسیون متعلق به همه است؛ کسی سند مالکیت خصوصی آن را ندارد تا آن را وسیله ی حضور در مجامع جهانی و سند اعتباری برای امتیازات خویش جلوه دهد و القاء کند که همه چیز باید از مجاری معین این یا آن فرد بگذرد. کنفدراسیون در تمام زندگی سیاسی خود بت شکن بود و نمی توانست سنت بت سازی را در مبارزه ی سیاسی ایجاد کند و آنرا به عنوان دستاورد به نسل آینده ارائه دهد.

کمیتة ای که با الهام از گذشته ی پرافتخار و پر شور، این وظیفه را داوطلبانه، صمیمانه، و با کار توانفرسا به عهده گرفت، مبین همان واقعیت کنفدراسیون جهانی و تعهد به سنت های درخشان و آزموده ی آن بود. این کمیتة که مرکب از بخشی از دبیران پیشین کنفدراسیون جهانی و اعضاء و فعالان آن بود، با اعتماد به نفس و با الهام از حقانیت مسؤولیتی که به عهده گرفته بود، آغاز به کار کرد و آنرا با موفقیت تحسین برانگیزی به انجام رساند. و این اغراق نیست که ما در این کار موفق بوده ایم.

نظم و انضباط و دقت در برنامه ریزی و انتقال تجربه های چند نسل، به صورت موجز

و متراکم، از طُرُق گفتار، نوشته، و تصویر، حجم بزرگی از اطلاعات تاریخی را در چندین ساعت به حضاران در نشست منتقل می کرد. بدون این انضباط و رعایت تداوم کار، بدون پافشاری بر عدم انقطاع برنامه، بدون تشریک مساعی همه ی دست اندرکاران، چه در زمینه تدارکاتی، سیاسی، هنری، و ... پیشبرد این امر مهم مقدور نمی بود. حضار از وجود این همه همکاری مشترک تمجید می کردند و این همکاری پیگیرانه و گسترده، که ملهم از کار مشترک جمعی در درون کنفدراسیون جهانی برای نیل به اهداف مشترک بود، بسیار آموزنده بود. کار جمعی، متحد، منضبط، و هدفمند باز جای خود را در پهنه ی اپوزیسیون که مملو از خودنمایی های فردی و تبلیغ منش انفرادگرایانه است باز می کرد. و این اغراق نیست که ما در این امر موفق بوده ایم.

مجری برنامه آقای فریدون منتقمی دبیر پیشین کنفدراسیون جهانی خوش آمد به حضار را از طرف کمیته ی برگذاری با این شعر حافظ آغاز کرد:

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم /  
سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور  
گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید /  
هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور  
سپس، وی شمه ای از تاریخچه پیدایش کمیته گفت که خلاصه ی آن چنین است.

فکر برگذاری این مراسم نخستین بار در ۲ ژانویه سال ۲۰۱۲ پدید آمد. گام نخست طبیعتاً بایستی با افرادی که در دسترس بودند و آمادگی خویش را برای این کار

بزرگ اعلام می کردند آغاز می شد. تلاش نخستین برای همکاری مشترک در اواخر ماه آوریل با موفقیت روبرو نبود و برای انتشار فراخوانی مشترک و طرحی که استخوانبندی آن همان است که امروز ارائه می شود توافقی بدست نیامد. تلاش مجدد برای ایجاد حسن تفاهم تا اواخر ماه مه ۲۰۱۲ نیز با شکست روبرو شد. اکنون دو راه باقی ماند: یا از برگذاری این روز صرفنظر کنیم یا به این امر مهم و مبارزاتی مسؤولانه برخورد کرده، و با تکیه بر امکانات و مصالحی که در اختیار داشتیم به بنای این ساختمان همت بگماریم. ما راه دوم را انتخاب کردیم. بخشی از دبیران پیشین کنفدراسیون فراخوانی برای شرکت در کمیته ای که وظیفه برگذاری این کار را انجام دهد منتشر کردند. به فراخوان منتشر شده سی نفر از اعضاء پیشین کنفدراسیون پاسخ مثبت دادند، و کمیته با شرکت رفقای از سایر شهرهای آلمان فرانکفورت، مونیخ، ماینس، گیسن، برمن، کلن، کایزرز لاترن، کوبلنس، هانور، هامبورگ، لندن، برلین، و ... در شهر ماینس آلمان بوجود آمد. این کمیته به صورت دموکراتیک، شفاف، علنی، و مستقل کار خود را آغاز کرد و دارای هویت روشن دموکراتیک، کنفدراسیونی و مترقی بود. این کمیته از دستاوردهای کنفدراسیون الهام می گرفت.

در همان آغاز کار کمیته رفقا خسرو شاکری و پرویز نعمان دبیران پیشین کنفدراسیون جهانی، که به علت بیماری امکان شرکت در کمیته را نداشتند، به عنوان دو ستون مهم

پیشبرد کار، فراخوانی در حمایت از این کمیته منتشر کردند، که برخی دیگر از رفقای دبیران پیشین کنفدراسیون و فدراسیون ها نیز به حمایت از آن برخاستند، و تا روز آخر بیش از ۲۴۰ نفر آنرا امضاء نمودند. کمیته از پاره ای زندانیان سیاسی پیشین دعوت کرد تا در این مراسم از خفقان دوران استبداد پهلوی و نقش کنفدراسیون در دفاع از حقوق بشر و در کاهش فشارهای درون زندان صحبت کنند. گرچه سازماندهی این کار با سختی و مشکلات اولیه روبرو بود، ولی سرانجام رفقا یوسف اردلان و ابراهیم آوخ از زندانیان سیاسی دوران شاه آمادگی خود را برای بیان خاطرات خویش اعلام کردند. کمیته با آقای ویکتور فاف (Victor Pfaff) که یکی از وکلای مدافع حامی کنفدراسیون بود نیز تماس گرفت تا وی نیز، که در دفتر وکالت دکتر هانس هلدمن (Hans Heldmann) کار می کرد خاطرات همکاری خویش را با کنفدراسیون جهانی در این نشست بیان کند. این کمیته برنامه ی خویش را، که حاوی سخنرانی پیرامون دستآوردهای کنفدراسیون، خاطرات زندانیان سیاسی، و حمایت کنفدراسیون از آنان بود از طریق پوستری منتشر کرد و به اطلاع عموم رسانید - برنامه ای که نمایش تصاویر جانباختگان کنفدراسیون و زندانیان کنفدراسیون در دوران شاه، و فیلم های اسلاید از مبارزات مردم ایران و مبارزات کنفدراسیون را، همراه با موسیقی گروه سیما-اسکندر- عبدالرضا و تک نوازی پیانوی پیمان در بر می گرفت. این ابتکار کمیته موجی از پشتیبانی در انسان های



مسئول و دموکرات ایجاد کرد. زندانیان سیاسی دوران شاه، که جان بسیاری از آنان را فعالیت کنفدراسیون و فداکاری دانشجویان ایرانی در خارج از کشور نجات داده بود، رفقای که زندگی خود را مدیون کنفدراسیون می دانستند، با انتشار اعلامیه ای به یک اقدام مسؤولانه دست زدند و به حمایت از ابتکار کمیته ی برگزاری مراسم کنفدراسیون در ۵ ژانویه ۲۰۱۳ برخاستند. امضاء بیش از ۲۴۰ نفر در حمایت از این فعالیت، انتشار اعلامیه پشتیبانی بیش از صد نفر زندانیان سیاسی، و سپس اعلامیه ی حمایت سازمان های سیاسی درون کشور و خارج از کشور، و همچنین شخصیت های سیاسی درون و برون کشور آخرین سدهای سکوت را درهم شکست. بیانیه ی دعوت به شرکت در این گردهمایی در تقریبا همه ی تارنماهای روشنگرانه خارج از کشور بازتاب یافت. کار کمیته، علیرغم همه ی ناملایمات اولیه در آغاز کار، محصولی داد که می توانستیم تاثیرات مثبت آنرا در نشست ۵ ژانویه شاهد باشیم. کار کمیته ی برگزاری به همه ی ما درس بزرگی داد که به نیروی مردم و آرمان های دموکراتیک آنها ایمان داشته باشیم و بدانیم که آتشی که در انقلاب مشروطیت افروخته شده هنوز حرارت خود را در زیر خاکستر حفظ کرده است.

سپس مجری برنامه بیاد آورد که در این نشست، علیرغم اینکه پاره ای یاران ما در مبارزه علیه دو استبداد حال و گذشته جان خویش را از دست داده اند، ولی همه ی سنگرها پر شده اند و هیچ رژیم می

تواند با قساوت و جنایت به عمر خود ادامه دهد. تجربه ی رژیم پهلوی باید برای رژیم امروز ایران نیز سرمشق باشد. سپس با شعر «به فردا» اثر محمد زهری یاد جانباختگان را زنده کرد:

به گلگشت جوانان یاد ما را زنده دارید  
ای رفیقان  
که ما در ظلمتِ شب  
زیر بال وحشی خفاش خون آشام  
نشاندم این نگین صبح روشن را  
به روی پایه انگشتر فردا...

سپس، وی به احترام همه ی جانباختگان راه آزادی و استقلال، دموکراسی، و عدالت اجتماعی از زمان انقلاب مشروطیت تا کنون یکدقیقه سکوت داد. حزار به احترام بپا خاستند و در این همدردی بزرگ نشان دادند که هر ستاره ای را که دشمن به زیر بکشد، باز آسمان مبارزه ی مردم ایران غرق ستاره می شود.

بعد از آن رفیقمان پروفیسور بازنشسته خسرو شاکری، که متأسفانه به علت بیماری نتوانسته بود در مراسم حضور داشته باشد، توسط یک ویدئو سخنرانی کرد و بخش نخست بیانیه مشترک دبیران درباره ی دستاوردهای کنفدراسیون را، همراه با تصاویر مبارزات مردم که بر پرده می افتاد، قرائت کرد. در میان سخنان وی سرود شانزدهم آذر توسط گروه کُری که رفقای غیرحرفه ای با حوصله و پشتکار آماده کرده بودند و توضیحات مجری برنامه پیرامون ماهیت ۱۶ ام آذر و نقش تاریخی

آن اجراء شد. پیام نخستین کنگره ی کنفدراسیون جهانی (پاریس) به دکتر محمد صدق و پاسخ وی قرائت گردید و اسلایدهایی از مبارزات مردم نشان داده شد. سپس دکتر بهمن نیرومند دبیر دیگر کنفدراسیون بخش بعدی بیانه را قرائت کرد، و در فاصله گفتار وی، قطعنامه ها و پیام های کنگره های کنفدراسیون مربوط به متن سخنرانی برای سندیت بخشیدن به گفتار وی توسط رفقای کمیته قرائت شد. بخش سوم سخنرانی را دکتر منصور بیات زاده قرائت کرد؛ سخنان وی نیز همراه با پیام ها و قطعنامه های مربوط به آن بخش بود، که از طرف رفقای کمیته با توضیح مجری برنامه قرائت شدند. در فواصل سخنرانی ها وقت استراحت داده می شد یا موسیقی اجراء می شد. سپس، پروفیسور داود غلام آزاد، یکی از دبیران پیشین کنفدراسیون، جمع بندی همه ی سخنرانی را که در منشور کنفدراسیون تبلور می یافت قرائت نمود.

در این نشست پیام رفیق حسین رضائی دبیر پیشین فدراسیون آلمان از ایران، نماینده کنفدراسیون جهانی و سازمان عفو بین الملل که در ۱۷ مهر ماه ۱۳۴۹ مطابق با اکتبر ۱۹۷۰ برای سرکشی به زندان های شاه به ایران رفته بود و تا زمان انقلاب در اسارت شاه به سر می برد، خوانده شد آنگاه اسامی سازمان های سیاسی درون و برون ایران و آقای ناصر زرافشان، که به این نشست پیام داده بودند، اعلام گردید. مجری برنامه برای اطلاع حضار و نسل جوان، که از شیوه ی کار کنفدراسیون در گذشته بی خبر بود، توضیح داد که: بنا بر همان

سنت کنفدراسیون جهانی، ما نام پیام های رسیده به مراسم را اعلام می کنیم و آن ها را برای ثبت در تاریخ با اهمیت می دانیم، ولی دریافت پیام ها از سازمان های سیاسی، که هر کدام از آن ها با درک ویژه ی خود این پیام ها را تدوین کرده اند و از نظر سیاسی دارای برنامه های گوناگون و شاید متضادی باشند، یا حتی از نظر ایدئولوژیک در مقابل هم قرار دارند، الزاما به معنای رد یا تأیید مضامین این پیام ها نیست. هر سازمانی به نوبه ی خود مسئولیت پیام خود را به عهده دارد و کمیتة ی برگذاری با الهام از همان سنت کنفدراسیون، که بیان درک دمکراتیک از رویدادها بوده و هرگز هدف نهائی را از دیده فرونمی گذارد، تنها به اعلام دریافت آن ها در این نشست قناعت می کند. سپس، وکیل کنفدراسیون آقای فاف، که تحت تاثیر شکوه جلسه قرار داشت، سخنان پرشوری ابراز داشت که بسیار مورد توجه حضار قرار گرفت.

سخنان رفیقمان یوسف اردلان با بیان شعر زیر از طرف مجری آغاز شد:

### در بند

ای که پرسى تا به کی در بند دربنديم ما/  
تا که آزادی بود در بند، در بنديم ما  
خوار و زار و بی کس و بی خانمان و در بدر/  
با وجود این همه غم، شاد و خرسندیم ما  
جای ما در گوشه صحرا بود مانند کوه/  
گوشه گیر و سربلند و سخت پیوندیم ما

در گلستان جهان چون غنچه های صبحدم /  
با درون پر ز خون در حال لبخندیم ما  
مادر ایران نشد از مرد زاییدن عقیم /  
زان زن فرخنده را فرزانه فرزندیم ما  
ارتقاء ما میسر می شود با سوختن /  
بر فراز مجمر گیتی چو اسفندیم ما  
گر نمی آمد چنین روزی کجا دانند خلق /  
در میان همگنان بی مثل و مانندیم ما  
کشتی ما را خدایا ناخدا از هم شکست /  
با وجود آن که کشتی را خداوندیم ما  
در جهان کهنه ماند نام ما و فرخی /  
چون ز ایجاد غزل طرح نو افکندیم ما  
فرخی یزدی

سخنان رفیق یوسف اردلان جداگانه در شماره  
ی ویژه ی نشریه ۱۶ ام آذر منتشر می شود.  
پس از وی، سخنان رفیق آوخ، که او نیز،  
متأسفانه، به علت بیماری نتوانسته بود  
در نشست شرکت کند، توسط ویدئوی ارسالی  
پخش شد؛ این سخنان نیز جداگانه در ۱۶ ام  
آذر ویژه منتشر می شود.

به علت تراکم برنامه و خستگی رفقا و یا  
به مناسبت شغلی که باید به محل زندگی  
خویش باز می گشتند، مجریان برنامه از  
اجرای کامل برنامه خود داری کردند و  
قرار شد متن کامل آن در چندین ویدئو، که  
در سایت کنفدراسیون بازتاب خواهد یافت،  
پخش شود. این مطالب تنها گزارش مختصری  
از یک برنامه هشت ساعته است که بیش از  
یک سال برای تنظیم و تهیه آن نیرو صرف  
شده و ده ها نفر در آفرینش آن شرکت  
داشته اند.

در خاتمه رفقا دکتر بهمن نیرومند، فریدون اعلم دبیران پیشین کنفدراسیون جهانی و بیژن کلانتریان، یکی از اعضای کنفدراسیون، خاطرات شخصی خویش را از مبارزان و مبارزات آن دوران بازگو کردند، که بسیار مورد توجه حضار قرار گرفت و پیشنهادهای نیز در زمینه جمع آوری این خاطرات داده شد که در دستور کار کمیته قرار خواهد گرفت. بازتاب برگزاری این مراسم در میان نیروهای دموکرات، انقلابی، آزادیخواه و استقلال طلب بسیار مثبت بوده است. این حرکت با این استقبال عظیم، گرچه ناشی از نفوذ معنوی کنفدراسیون جهانی در میان مردم بود، در عین حال در جبهه دشمنان مردم ایران که به گرد دودمان ننگین پهلویان گرد آمده اند و در همدستی با امپریالیسم و مجامعشان بسیار فعالند و با دشمنان مردم ایران هم‌اوا گشته اند، بسیار سنگین آمد. این حرکت نشان داد که نمی شود تاریخ را تحریف کرد و با دینار و درهم غارت شده از دسترنج مردم ایران کارزارهای تبلیغاتی در خارج بر ضد مردم ایران و تحریف تاریخ ایران بپا ساخت. و در عین حال بیانگر این واقعیت بود که وظیفه ی سرنگونی نظام جمهوری اسلامی تنها به عهده ی مردم ایران می باشد. وقتی خبر این موفقیت به ایران رسید و مردم توانستند از طریق پلتاک و برخی تلویزیون های اپوزیسیون از شکوه و عظمت این مراسم با خبر شوند موجی از شرف بسیار همه را در بر گرفت. چه پیام های تلفنی که از ایران نرسید و چه تبریک ها

که به ما نگفتند. مردم می دیدند که میدان برای ضد انقلاب غارتگر و سرکوبگر مغلوب شده خالی نیست و هستند کسانی که از دستاوردهای انقلاب مردم ایران دفاع می کنند. خبر رسید که در دانشگاه تهران بحث مربوط به فعالیت کنفدراسیون داغ است و همه خیر را به سرعت برق پخش می کنند و رژیم جمهوری اسلامی نیز از این حرکت بشدت نگران است.

مسلماً، کار کمیته خالی از نقص نیست، کار «بی نقص» کار ناکرده است. اگر کمیته با همین مصالح آغاز به کار نمی کرد و بر همه چیز سرپوش می گذاشت، کسی هم امروز در پی عیبجویی بر نمی آمد.

کنفدراسیون جهانی، دست کم تا زمانی که مشترکاً کار می کرد، به اندازه ای دستآورد و فعالیت در تمام عرصه ها از خود باقی گذارد که بیان آن ها در این مختصر نمی گنجد، چه برای اینکه آن ها را همه جانبه بررسی کنیم کار بیشتری لازم است. مسلماً، این کار مهمی که انجام شده است در تاریخ ایران ثبت می شود و گامی است که باید با فعالیت دیگران و بعدی تکمیل شود.